

انحرافات شبه سرمایه داری!

* * * مسلمانان یوگسلاوی

* * *

در شماره هفتم مجله نوشتیم که: «در بلگراد همه مظاهر تمدن مادی اردو گاه سرمایه داری از آبار تهاجمی مدرن و چندین طبقه گرفته تا اتموبیل‌های شخصی آخرین سیستم و مینی ژوب پورها و جوانان هبیبی مآب!، همه جا بچشم میخورند، گویی که پاریس یا لندن است و...»
اتفاقاً در مطبوعات فرانسه هم اخیراً مطالبی درباره وضع اجتماعی یوگسلاوی منتشر شده که نشان دهنده دگرگونی نامطلوب وضع اخلاقی و اقتصادی طبقه‌های خاص از مردم یوگسلاوی و انحرافات شبه سرمایه داری، در این سرزمین است.

در بعضی از این مقالات تحت عنوان: «قیقو در برابر دشمن تازه!»، چنین آمده است: (۱)
تیرد در ۲۷ سالگی دشمن تازه‌ای را کشف کرده که بر او از دشمن پیشین وی: استالین خطرناکتر است. این دشمن تازه، جامعه صرف کننده یوگسلاوی است که کامجویی و عشق به خوشگذرانی که در نیم یوگسلاوی راجه فساد و تهاجمی گشاده است. در نظامات فرنگی در زادار، واقع در کنار دریای آدریا تیک، چندی پیش رئیس جمهوری پیر یوگسلاوی اعلام کرد که برای طرد تمام کسانی که مایه شرمساری هستند، قضیه دامنه داری در حزب و جامعه یوگسلاوی انجام خواهد شد.

ولی در بلازهای محاور، زنان و دختران بیکنی پوش یا میکرو ژوب پوشیده که منگوله‌هایی هم بخود آویخته بودند و پسران پشمالویی که مدالهایی از تصاویر مقدسان به گردن داشتند، به عیش و نوش سرگرم بودند.

این وضع نشان دهنده دگرگونی وضع اخلاقی و عصیان جوانان یوگسلاوی است و در این زمینه فرقی بین کاتولیک و ارتودوکس و لامذهب نیست!

سایه‌های میثاق و حلف - چنان‌که مشران فراوانی یافته است که سالی تا هزار تا باشد -
کنند بر میخورد و کیوسکهای مصلوبانی بر آن‌ها ایستاده است که جنوی عکسهای دیگرین باشد که
بدان حال آن‌وقت فساد و بی بندوباری میرسد -

رئیس جمهوری پیر گوپال به قواعد و مقررات و سرمایه داری و بی‌بندوباری عینه‌های
اقتصادی و جلوگیری بعمل آورد ، زیرا در پیش‌بانی بلگرام شهر در پشت‌بشمه‌ها ماشین‌های
پوست کردن و کفش‌های لوکس را هزار و دیگر مسائل تجلی و اثراتی ترقی سرمایه دار خواهید
دید و اگر فقط کشتها را در نظر بگیرید ، هر جفت آنها بیش از نالت حقوق ماهانه یک
کارگر است .

در یوگسلاوی حجم واردات خیلی سریعتر از صادرات شد ، می‌کند و اقتصاد
یوگسلاوی از کمبود آرد و علم و موازنه شدید رنج می‌برد و کارمندان عالی‌رتبه ، دیگر جزیه
آب و برق می‌رسد بی‌قاعه هستند .

سفارتخانه های فرانسوی ، روس و انگلیسی از دولت‌نامه ها ترقی
کرده اند ، این سفارتخانه‌ها از روشنفکران می‌بود دعوت می‌کنند که از کشور ها ترقی
روند کنند .

ازمهرستی ارواسته‌اند جدید یوگسلاوی تنها خطری نیست که آن کشور را تهدید می‌کند ،
بلکه روح و احساس ، طایفه هم در حال بیدار شدن است . مردم هر ایالتی برای خود اسرای
برنامه‌ها و طرح‌های ویژه‌ای را می‌چراهند و اقلیت آنها همای قوی یوگسلاوی از تپش که در یک
خامه‌سویالیست بر حد آنان روا شده می‌شود ، شدت خشکین هستند .

البته نباید از نظر دور داشت که ساختمان اجتماعی یوگسلاوی هنوز در پرتاب غایبانه
از فریب است و سدا کشا اختلاف سطح در آمد یک کارگر وقتی ترین افراد ، از نسبت پانزده است ،
تفاوتی کند و تیره فکر می‌کند که برای جلوگیری از سقوط کشور به یک اقتصاد لیبرال ترقی
و با تکنوکراسی باید اقدام کند ، ولی ترقی منقاد است که برای یوگسلاوی عیب‌گرد اروپا است که علوم انسانی و مطالعات
جهت‌بسی و جهت‌انحصاری ، خیلی دیر شده است ، اما اگر یک جامعه‌ای تحت نظر رهبران دلوز ، ارشاد شود مسلماً از سقوط کامل در دام رتال جامع علوم انسانی و مطالعات
غرب سرمایه دار نجات خواهد یافت و جنبه‌های انسانی و معنوی با دست‌ها اجتماعی نسبتاً سالم ، پر
جنبه‌های خدا خلقی و اجتماعی صادرانی غرب غلبه خواهند کرد . . .

مسلمانان در یوگسلاوی

مردمان مسلمانان در یوگسلاوی در حدود سه میلیون نفر است که در حدود مجموع جمعیت
آن کشور را تشکیل می‌دهند ، و شاید گمانی باشند که تعداد در شهر های بعضی از مناطق یوگسلاوی ،
اکثریت ساکنین مسلمان هستند و یا ساکنین بعضی از روستاها و دهات ، از نظر مذهب ، بدون
استثنا همه مسلمان هستند .

تختین گروه از مسلمانان در سال ۲۲۰ هجری از ساحل شرقی دریای آدریاتیک
وارد یوگسلاوی شده و در شهر های واپسان ، و کورتو و ویووا ، عسکن گزینند ولی بعدها
توسط حکومت‌های روم و آلمان و کرواتیها ، تحت فشار شدید قرار گرفتند .

اما در چهار قرن پیش ، هنگامیکه عثمانیها بسوی وین پیش رفتند و در سر راهشان از
یوگسلاوی می‌گذشتند ، مردم یوگسلاوی شفته حسن رفتار آنان شده و گروه کنیری اسلام
آورده .

علاوه بر این ، پس از آنکه سرستان جرجلر و حکومت عثمانی گردید ، سلطان عثمانی
مردم آنجا را مجبور به ترقی اسلام نکرد و در بوسنه و مناطق دیگر هم هیچگونه تحمیلی مردم
روا داشته‌ند و شهادت سندی که در کلیسای ارتودوکس در شهر دوکلی ، مرسک ، موجود است ،
مردمی که اسلام پذیرفته اند ، هیچگونه اکراه و اجباری نداشته‌اند .

دلیل روشن بر این امر آنکه پس از سقوط خلافت عثمانی و استقلال یوگسلاوی ، مسلمانان
آلمان تنها در حفظ آئین خود کوشیده‌اند بلکه در راه تبلیغ آن هم فعالیتها می‌کنند ، شهر های
زیرا می‌توان از بهترین شهر های اسلامی در یوگسلاوی شمرد .

سرایوو ؛ تولولا ؛ بانیا لونا ؛ موستار ؛ زیتسا ؛ سکوبیا ؛ در این شهر ها تعداد
مسلمانان نسبت به مجموع ساکنین آنها ، ۶۰ درصد است و برای نمونه باید گفت که فقط در شهر
سرایوو ۷۵ مسجد و دو چاه دارد ،

در مناطق « بوسنه ، روستاها و دهاتی وجود دارد که ساکنین آنها همه مسلمان هستند و در
دو سال گذشته ساختن مساجد در دهات اطراف خود کشاورزان و دهقانان ، آغاز شده بطوریکه
می‌گویند هم اکنون در حدود دوهزار مسجد در یوگسلاوی وجود دارد و نسل جوان مسلمان هم
تأهت بیشتری برای شرکت در نماز جمعه و مراسم اعیاد مذهبی از خود نشان می‌دهند و از مفاسد
کجوانان دیگر را تادیب می‌کند ، در هستند .

مسلمانان یوگسلاوی نسبت به نظر یک تشکیلات نظام قانونی بنام سازمان امور دینی اداره
آن در دوسر ا پرو قرار دارد ، انتخاب در رئیس العلماء و وسیله روحانیون انتخاب شده شهر ستانهای
شهر بسل می‌آید ، این مرکز مجله‌ای بزبان یوگسلاوی بنام « غلاسیق » منتشر می‌سازد که
شامل مقالات و جنبه‌های اسلامی است و خلاصه آن مقالات بر روی نیز منتشر می‌گردد .

پلکانان فعال اسلامی هم بنام سازمان جوانان مسلمان در یوگسلاوی وجود داشت که
بمثبت فعالیتها حاد تأسیساته شهر قانونی « شناخته شد و رهبران آن زندانی شدند ! . . .

مسلمانان یوگسلاوی امروزه نیازمند مراکز فرهنگی ، مدارس ، نشریات گوناگون ،
مبلیت تحصیل کرده و روشن بین و افراد خادم دلسوزی هستند و اگر سه میلیون مسلمان این
مردم در قلب اروپا ، کادری بری صحیحی داشته باشند ، می‌توانند برای آینده اسلام در اروپا ،
مثلاً آثار بسیاری بچونند . . .